

مرگ عجیب مرد گمشده

پسر جوان وقتی از خانه بیرون رفت به‌طور مشکوکی ناپدید و در ادامه بر اثر مسمومیت باقرص برنج در بیمارستان فوت شد. به گزارش خبرنگار جام‌چم، روزهای پایانی هفته گذشته یکی از ماموران انتظامی در تماس با بازپرس کشیک قتل دادرسای جنبایی تهران، او را در جریان مرگ مشکوک مردی جوان قرار داد. با دستور قضایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به بیمارستان اعزام شدند. آنها با تحقیق اولیه از مسئولان آنجا متوجه شدند چند رهگذر، مرد جوان را که بیهوش در کوچه‌ای افتاده بود در محله‌ای در جنوب غرب تهران یافتند و او را به بیمارستان رساندند. با توجه به تلاش پزشکان، وی فوت کرد. شواهد اولیه هم نشان داد که او بر اثر مسمومیت باقرص برنج فوت کرده‌است. این درحالی بود که خانواده این مرد نیز در بیمارستان حضور داشتند و از آنها نیز تحقیقات لازم انجام گرفت. برادر مقتول در اظهارتش گفت: برادرم صبح برای انجام کاری از خانه‌مان در یکی از محله‌های تهران بیرون رفت. تا عصر هرچه منتظر شدیم او بازنگشت؛ بنابراین سراغ او را از دوستان و اقوام گرفتیم اما کسی از برادرم خبری نداشت. تلفن همراهش نیز پاسخگو نبود. دل‌نگرانی‌مان بیشتر شده بود تا این‌که مرد غریبه‌ای تلفن او را جواب داد و فهمیدم در بیمارستان بستری است. وی افزود: خودمان را به بیمارستان رساندیم اما او با وجود تلاش پزشکان فوت کرد. وقتی پیگیر ماجرا شدم، فهمیدم او را در کوچه‌ای بیهوش یافته‌اند و به بیمارستان انتقال داده‌اند و در ادامه فوت کرده‌است. به مادر بیمارستان گفتند مرگ او مسمومیت با قرص برنج بوده‌است. ما به مرگ برادرمان مشکوک هستیم چرا که او مشکل خانوادگی، کاری و مالی نداشت و افسرده و بیمار هم نبود که بخواهد دست به خودکشی بزند. گمان می‌کنیم وی به قتل رسیده باشد و خواستار رسیدگی در این رابطه هستیم. سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنبایی پلیس آگاهی تهران با تأیید این خبر به جام‌چم گفت: تحقیقات پلیسی برای راگشایی از مرگ این مرد از سوی پلیس ادامه دارد.

مرگ عجیب مرد گمشده

جسد مرد جوان در خانه‌اش در حالی پیدا شد که بطری مشروب کنارش افتاده بود. به گزارش خبرنگار جام‌چم، عصر روز چهارشنبه پانزدهم مهر امسال زنی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس تلفنی گرفت و از مرگ مشکوک مرد جوانی از اقوامش در خانه‌ای در شرق تهران خبر داد. بعد از این تماس، ماموران به خانه مورد نظر اعزام شده و با جسد مرد جوان در یکی از اتاق‌های خانه روبه‌رو شدند. یک بطری مشروب دست‌ساز و نوشابه اطراف او افتاده بود و ساعاتی از مرگش می‌گذشت. ماموران به تحقیق از زنی که جسد را یافته بود، پرداختند که وی در اظهاراتش گفت: من از اقوام مرد جوان هستم. او در این خانه به تنهایی زندگی می‌کرد. از صبح هرچه به تلفن او زنگ زدم جواب نداد. شوهرم نیز به او زنگ زد که تلفن او را هم بی پاسخ گذاشته بود. شوهرم چون سر کار بود نتوانست برای سرکشی به خانه مرد جوان بیاید، بنابراین از من خواست که به آنجا بروم و سراغش را بگیرم. خواست اگر در باز نکرد، آن را با پیچ‌گوشی بازکنم و از وضعیت او خبردار شوم. وی افزود: بنابراین مقابل خانه اجاره‌ای این جوان رفتم و به تلفن همراهش زنگ زدم که جواب نداد. بعد در خانه‌اش را زدم که جواب نداد. از همسایه‌ها سراغ او را گرفتم که گفتند او را ندیده‌اند. دل‌نگران شدم و به شوهرم اطلاع دادم تا نفسش را ببازد. کف اتاق افتاد. بسیار پشیمان شده بودم و نمی‌دانستم چه کاری باید انجام دهم. تصمیم گرفتم به کلانتری محله بروم و تسلیم شوم. سالارزنگستر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنبایی تهران با تأیید این خبر به جام‌چم گفت: متهم به همسرکشی در بازداشت است. متهم به قتل همسرش در ادعایی عجیب گفت: من و همسرم سال‌هاست با هم ازدواج کرده‌ایم اما مدتی بود که متوجه تغییر رفتارهای همسرم شده بودم

از این دیگر توفیقات پلیس در این ایام بود. از طرفی در حوزه سایبری، دست برتر در کشفیات داریم به گونه‌ای که با ثبت بیش از ۹۰ درصد کشفیات جرم در حوزه سایبری، فضا را برای مجرمان سایبری چون دیگر مجرمان ناامن کرده‌ایم. فرمانده کل انتظامی با ارائه گزارشی از عملکرد پلیس امنیت اقتصادی، محکمر را «وطن فروش اقتصادی» نامید و از عزم جدی پلیس در برخورد با دزدان اقتصادی سخن گفت. وی با بیان این‌که پلیس با وجود انجام مأموریت‌های ذاتی خود در چنین شرایطی، در رونمایی از طرح‌های نوآورانه و هوشمند نیز پیشگام بوده‌است، افزود: هفته گذشته اسنال را در حالی پشت‌سرمی‌گذاریم که در همین ایام (هفته گذشته) از طرح‌های نوآورانه و فناوریی رونمایی شد و ۱۷ سامانه و ۱۲ طرح خدماتی به بهره‌برداری رسید. سردار رادان با اشاره به ابتار و فداکاری نیروهای انتظامی در جریان جنگ اخیر گفت: در سالی که پشت‌سرمی‌گذاریم و ایامی که گذشت، جلوه‌های ویژه و کم‌نظیری از فداکاری همکارانمان دیدیم؛ جلوه‌های زیبایی از مجاهدت و خدمت. تأکید می‌کنم همه ما فرماندهان و نیروهای پلیس عهد و پیمان بسته‌ایم که امنیت و آرامش خودمان را فدای آسایش و امنیت مردم عزیز کشورمان کنیم و در این مسیر، گرانبهاترین سرمایه خود یعنی جان‌مان را برای امنیت مردم تقدیم می‌کنیم.

فرمانده انتظامی کشور در جنگ تعطیل نشد

فرمانده کل انتظامی کشور با تأکید بر آمادگی کامل پلیس

برای مقابله با تهدیدات گفت: پلیس حتی نسبت به قبل از جنگ در بالاترین سطح آمادگی قرار دارد؛ در همه ابعاد؛ مرزبانی، انتظامی، راهبرو و...

این مقام ارشد انتظامی با ارائه گزارشی کوتاه از اقدامات و عملکرد پلیس در ایام جنگ مطرح کرد: در این ایام از مجموعه سرقت‌ها، بیش از ۴۰۰ هزار سرقت کشف و ۲۲۰ هزار سارق دستگیر شدند.

وی با گریزی بر اقدامات پلیس در برخورد با اراذل و اوباش یادآور شد: کشف ۲۷۰ تن انواع مواد مخدر



اما اجازه ندادیم هیچ‌یک از خدمات پلیس متوقف شود.

رادان خاطر نشان کرد: حتی در مواردی که برخی سامانه‌های ارتباطی و خدماتی با مشکل مواجه شدند، مسیرهای جایگزین را فعال کردیم تا خدمت‌رسانی به مردم متوقف نشود؛ ما با شعار و باور هر «خودرو پلیس» و «گشت انتظامی»، «یک کلانتری و پاسگاه» خدمات انتظامی ارائه کردیم. اجازه ندادیم دشمن در حوزه خدمات انتظامی به هدف خود برسد و مردم معوث نیز با حضور خود در میدان، فرصت و امکان بیشتری برای پلیس فراهم کردند تا با عوامل ناامنی و کسانی که در داخل کشور با دشمن همکاری می‌کنند، مقابله‌کنند.

وصیت مرد همسرکش، او را از قصاص نجات داد

ارسال شد. او در این سال ها یک مرتبه پای چوبه دار رفت. والدین مقتول در زندان و پای چوبه دار به او مهلت چندماهه برای جلب رضایت دادند. این زمان هم سپری شد و او دوباره زیر حکم قصاص قرار گرفت. قرار بود به زودی حکم قصاص وی اجرا شود که وصیت‌نامه‌ای نوشت و خواست قبل از اجرای حکم، والدین مقتول آن را بخوانند. آذر شهنواری، مسئول کمیته سفیران صلح و دوستی انجمن حمایت از زندانیان در این باره به جام‌چم گفت: مرد زندانی در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود که خطای بزرگی مرتکب شده و از والدین مقتول می‌خواهد او را حلال کنند و پس از اجرای حکم اعدام، آن اعضای بدنش را که قابل پیوند هستند به بیماران اهدا کنند. وصیت‌نامه او در اختیار والدین مقتول قرار گرفت. آنها هرچند داغ سنگینی بر دل شان بود اما بعد از خواندن وصیت‌نامه، قاتل فرزندشان تحت‌تاثیر آخرین خواسته قاتل قرار گرفتند و او را سرانجام بعد از ۱۰ سال بخشیدند.

تا این‌که بعد از هشت‌ماه از ماجرا، داماد جوان به قتل زنش اعتراف کرد و گفت: دوسال قبل ازدواج کردیم، او مدام می‌گفت نمی‌خواهد با خانواده‌ام در ارتباط باشد. روز حادثه دوباره جروبحث‌مان شد، وسایلش را جمع کرد و می‌خواست پیش خانواده‌اش برود و بعد جدا شود. عصبانی شدم و دستانم را جلوی دهانش گرفتم تا ساکت شود و دادو فریاد نکند که ناخواسته باعث مرگ او شدم. جسد را در صندوق عقب انداختم و در بیابان رها کردم. با اعتراف او بقایای جسد هم کشف شد. متهم بعد از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد و پرونده نیز با صدور قرار جلب به دادرسی به دادگاه کیفری استان فارس ارسال شد. خانواده مقتول برای او درخواست قصاص کردند. متهم در جلسه محاکمه دوباره جزئیات قتل را تشریح کرد و از خانواده مقتول درخواست بخشش کرد. بعد از پایان جلسه محاکمه، قاتل حکم قصاص گرفت. این رای از سوی قضات دیوان عالی کشور تأیید و به دایره اجرای احکام

فرمانده انتظامی کشور با اشاره به این‌که در تمام ایام جنگ، خدمات پلیس به مردم تعطیل نشد، گفت: در این ایام از مجموعه سرقت‌ها، بیش از ۴۰۰ هزار سرقت کشف و ۲۲۰ هزار سارق دستگیر شدند.

به گزارش فراجا، سردار احمد رضا رادان در نشست فرماندهان انتظامی با دکتر مسعود پزشکیان، اظهار کرد: با وجود این‌که در جنگ سوم بسیاری از اماکن و مقرهای انتظامی مورد اصابت موشک‌های دشمن آمریکایی – صهیونیستی قرار گرفت اما روند خدمت انتظامی تعطیل نشد. دشمن سناریوهای مختلفی را طراحی کرده بود و تلاش داشت با هدف قرار دادن واحدهای انتظامی، زمینه بی‌نظمی اجتماعی و اختلال در خدمات پلیس را ایجاد کند اما به لطف خداوند و حضور مردم و ملت معبوث این اتفاق نیفتاد. وی با اشاره به خدمات پلیس به مردم در ایام جنگ، ادامه داد: سالانه بیش از ۲۰ میلیون مراجعه‌کننده به کلانتری‌ها و مراکز انتظامی ثبت شده و این در حالی است که بالغ بر ۴۰ میلیون خدمت انتظامی ارائه می‌دهیم. مردم عزیز خودشان دیدند که در میانه جنگ، تعطیلات نوروزی به‌طور کامل برگزار شد و حتی خدمات پلیس نسبت به سال گذشته افزایش داشت؛ از طرفی در ایام اربعین نیز بالغ بر چهار میلیون زائر داشتیم و دشمن تلاش کرد خدمات‌رسانی را مختل کند

فرار از خانه برای ازدواج دوم

مرد میانسال که خانواده‌اش تصور می‌کردند به قتل رسیده، در حالی زنده پیدا شد که برای ازدواج دوم قرار کرده بود. به گزارش خبرنگار جام‌چم، نیمه دوم مهر امسال زن میانسالی با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنبایی تهران شکایت کرد که شوهر میانسالش ناپدید شده و جست‌وجوی چندماهه برای یافتن وی بی‌نتیجه مانده. حالا به دادسرا آمده تا برای یافتن شوهرش کمک بگیرد و می‌ترسد بلایی سرش آمده باشد.

پرونده با دستور بازپرس عظیم سهرابی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد. شاکي در جریان تحقیقات در تشریح ماجرا گفت: ۲۷ سال قبل با عشق و علاقه با شوهرم آشنا شدم و ازدواج کردم. ثمره زندگی مشترک‌مان سه فرزند است. مدتی بود شوهرم دچار مشکلات مالی شده و همین موضوع، مشکلات را به خانه‌مان کشیده بود. مدام با هم دعوا و درگیری داشتیم اما به‌خاطر فرزندانم حاضر به جدایی نبودم و شرایط و بدرفتاری‌هایش را تحمل می‌کردم. این در حالی بود که یک هفته به شروع جنگ تحمیلی در اسفند سال گذشته، شوهرم برای رفتن به سر کارش در بازار از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت.

وی افزود: تلفن همراهش خاموش بود. سراغ او را از اعضای خانواده، دوستان و همکارانش گرفتم اما کسی از او خبری نداشت. حتی معلوم شد آن روز هم در محل کارش حاضر نشده. بنابراین به کلانتری محله رفتم و درباره گم شدن او شکایت کردم. علاوه بر آن به بیمارستان‌ها و پزشکی قانونی هم سرکشی کردم اما نام و نشانی از شوهرم در آنجا به‌دست نیاوردم. فرزندانم مدام سراغ پدرشان را می‌گیرند و من مانده‌ام

دستگیری مربی آزارگر

رئیس کل دادگستری استان کردستان از بازداشت متهم تجاوز در شهرستان دیواندره خبر داد. محمد جبیری اظهار کرد: با شکایت پنج نفر از شکات، متهم این پرونده ضمن احضار به دادگستری شهرستان دیواندره و تفهیم اتهام به اتهامات «آزار و اذیت جنسی» و «تهیه فیلم و محتویات مستهجن» روانه زندان شد. وی افزود: پرونده این متهم به دادگاه کیفری یک مرکز استان ارسال شده و تحقیقات تکمیلی جهت روشن شدن ابعاد کامل این موضوع ادامه دارد و به اطلاع عموم شهروندان خواهد رسید. روز پنجشنبه

به آنها چه بگویم. می‌ترسم به قتل رسیده باشد.

با توجه به شکایت این زن، ماموران اعضای دیگر خانواده مرد گمشده را به اداره پلیس تهران احضار کردند و تحقیقات لازم را انجام دادند اما آنها نیز از مرد میانسال خبری نداشتند و نمی‌دانستند او کجاست. آنها هم نگران وضعیت او بودند.

با جمع‌بندی این اطلاعات، تحقیقات برای یافتن ردی از سرنوشت مرد گمشده همچنان از سوی پلیس ادامه داشت تا این‌که در روز پیش دوباره شاکي به اداره پلیس آمد و این بار اطلاعات جدیدی در اختیار ماموران قرار داد و در تشریح ماجرا گفت: یکی از دوستانم در فضای مجازی فعالیت دارد. او به خانام آمد و اعلام کرد همسرم زنده‌است و تصاویری از شوهرم و زن غریبه‌ای را به من نشان داد که با هم ازدواج کرده بودند.

با دیدن این تصاویر شوکه شدم. دوستم هنگام رصد در فضای مجازی یکی از دوستان قدیمی‌اش را در اینستاگرام یافته و دنبال‌کننده پیج اینستاگرامی وی شده بود. در جریان ارتباط با او بعد از سال‌ها دوری متوجه شده بود به‌تازگی ازدواج کرده‌است. وقتی عکس‌های او و شوهرش را دیده بود تازه پی برده بود با شوهر من ازدواج کرده و باهم به ماه عسل هم رفته‌اند. زن جوان وضع مالی خوبی داشت. شوهرم او را با مدارک جعلی هویتی فریب داده و با وی ازدواج کرده‌است. با توجه به گفته‌های جدید شاکي، ماموران موضوع را بررسی کردند که معلوم شد گفته‌های وی صحت دارد و شوهرش بدون اجازه این زن و با مدارک جعلی دوباره ازدواج کرده‌است. بنابراین دستور احضار و تحقیقات از مرد میانسال صادر شد.

مرگ رویاهای پسر دانش آموز زیر آوار

ریش دیوار یک ساختمان نیمه‌مخروبه در روستای روزی شهرستان ورزقان، جان یک دانش‌آموز مقطع هشتم را گرفت. این حادثه در حالی رخ داد که یک دانش‌آموز دیگر نیز دچار جراحت شد.

به‌گزارش خبرنگار «جام‌چم»، این حادثه ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه گذشته و زمانی اتفاق افتاد که دانش‌آموزان مشغول بازی فوتبال بودند که ناگهان توب به‌سمت ساختمان مخروبه‌ای که حوالی مدرسه بود، پرتاب شد. دو دانش‌آموز سراغ توب رفتند اما حادثه مرگبار در انتظار یکی از آنان به‌نام سهیل یولادی بود. یکی از بستگان این کودک به «جام‌چم» می‌گوید: «روبروی مدرسه‌ای که سهیل در آن درس می‌خواند، یک ساختمان بهداشت قرار دارد که نوساز بوده و کنار آن نیز ساختمان قدیمی و مخروبه‌بداشت قرار دارد که شاید قدمتی بیش از ۳۰ سال داشته باشد. ساختمان جدید را بدون تخریب ساختمان قدیمی، احداث کردند. وقتی سهیل می‌خواست توب را بردارد، بخشی از دیوار روی یا و شکمش ریزش کرد و او آسیب دید. شاهدان حادثه و اهالی روستا که از موضوع مطلع شده بودند، با اورژانس تماس گرفته و درخواست کمک کردند. او را به درمانگاه شهرستان ورزقان انتقال دادند که گفتند آنجا امکانات لازم برای رسیدگی به سهیل وجود ندارد و باید به بیمارستان امام‌رضاع) تبریز منتقل شود. سهیل به بیمارستان منتقل شد اما زمانی که قرار بود سونوگرافی شود، خونریزی داخلی کرد و جانش را در همان بیمارستان از دست داد.» به‌گفته این فرد، خانواده در شوک و بهت به‌سر می‌برند و ظاهراً قرار است این موضوع را از طریق مراجع قانونی پیگیری کنند.



زن ۷۰ ساله قربانی سوءظن شوهرش شد

و گمان می‌کردم به من خیانت می‌کند. این سوءظن هر روز در ذهنم بیشتر می‌شد. چند مرتبه سر همین موضوع با او جروبحث کردم و دعوی‌مان بالاگرفت. او مدام به من می‌گفت دچار توهم شده‌ام که این تهمت‌ها را به او می‌زنم.

وی افزود: سرانجام بعد از ظهر پنجشنبه دوباره باهم جروبحث‌مان شد و دو‌عوای‌مان بالاگرفت. گویی جنون به من دست داده بود و نمی‌توانستم بر اعمال و رفتارم کنترل داشته باشم. نفهمیدم چه می‌کنم. با دست گردن همسرم را گرفتم و فشار دادم تا نفسش را نایامد و کف اتاق افتاد. بسیار پشیمان شده بودم و نمی‌دانستم چه کاری باید انجام دهم. تصمیم گرفتم به کلانتری محله بروم و تسلیم شوم.

سالارزنگستر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنبایی تهران با تأیید این خبر به جام‌چم گفت: متهم به همسرکشی در بازداشت است. متهم به قتل همسرش در ادعایی عجیب گفت: من و همسرم سال‌هاست با هم ازدواج کرده‌ایم اما مدتی بود که متوجه تغییر رفتارهای همسرم شده بودم

مرد سال‌خورده که به همسرش سوءظن پیدا کرده بود، او را با دستانش خفه کرد و دو ساعت بعد به کلانتری مجیدیه رفت و خود را تسلیم پلیس کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌چم، ساعت ۱۶ پنجشنبه شانزدهم مهر امسال، مردی حدود ۸۰ساله با حضور در کلانتری مجیدیه تهران مقابل افسر تحقیق کلانتری به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: آمده‌ام بگویم که زنم را کشته‌ام و می‌خواهم تسلیم شوم. مأمور جوان با شنیدن این حرف پیرمرد که زن حدود ۷۰ ساله‌اش را در خانه به قتل رسانده‌است، همراه تیم تحقیق برای بررسی صحت گفته‌های او به خانه پیرمرد در طبقه سوم ساختمانی در محله مجیدیه تهران اعزام شدند. آنها با ورود به آپارتمان با جسد زنی حدود ۷۰ ساله در یکی از اتاق‌های خانه روبه‌رو شدند که در اثر خفگی به قتل رسیده و دو ساعت از زمان مرگش می‌گذشت. با کشف جسد زن سالخورده موضوع به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنبایی تهران



گزارش شد. با هماهنگی قضایی پیرمرد

به اتهام همسرکشی بازداشت و برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد. متهم ۸۰ ساله در تحقیقات با اعتراف به قتل همسرش در ادعایی عجیب گفت: من و همسرم سال‌هاست با هم ازدواج کرده‌ایم اما مدتی بود که